

# منشکر ۵۹

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۳ دی ۱۳۸۹  
۲۴ دسامبر ۲۰۱۰

## خالد حاج محمدی قاتلین در صف سوگواران

در حاشیه دو واقعه دردناک در کرمان



**ریزش معدن زغال سنگ کرمان:** روز سه شنبه ۲۳ آذر بر اثر ریزش معدن زغال سنگ هجندک در شهرستان راور کرمان ۴ کارگر جان خود را از دست دادند. تا کنون جسد یکی از آنها از زیر آوار بیرون آمده و بقیه در عمق ۶۰۰ متری زمین دفن شده اند. یک هفته امید و انتظار خانواده و همکاران آنان برای نجات جان عزیزانشان با آخرین اظهار نظر مسئولین مبنی بر اینکه آنها حتما مرده اند، در میان انده فراوان به نومیدی منجر شد. در سال گذشته ۳۰ کارگر در این معدن جان باخته اند. میگویند دلیل اصلی بالا بودن مرگ کارگران در سوانح معدن عدم استفاده از "تکنولوژی های مدرن به جای روشهای سنتی" برای استخراج ذغال است.

اما کسی صاحبان معدن را به جرم این جنایت، به جرم سودجویی که جان ۴ کارگر را باعث شد، حتی سرزنش نمیکند. کسی به جرم گرفتن جان آنها در اعماق معدن، بازخواست نمیشود، دادگاه و بازجویی در کار نیست، کسی

صفحه ۲

## مصطفی رشیدی لقمه بزرگ یارانه ها در گلوی جمهوری



روز ۲۸ آذرماه طرح هدفمند کردن یارانه ها به اجرا درآمد. در طول يك هفته عصاره این طرح، بازی با قیمتها، بازی با زندگی مردم زحمتکش به شکل تمام عیار خود را بنمایش گذاشته است. از همان آغاز شریلهای اصلی حیات مردم زیر ضرب قرار گرفتند. از صبح این روز بنزین، نان، آب و برق بیکیاره چند برابر گرانتر شد. از این پس، یارانه ها و سرنوشت آن از يك میحث پر از جنجال به واقعیت روزمره زندگی گره خورد. تا همینجا و مطابق آمار رسمی، سهم بخش اصلی مردم از سوسپیدهای "ساختمندان" دولت چیزی بیشتر از خط

فقر نبود. در عرض همین چند روز جای تردیدی باقی نمانده است که یارانه های موعود قرار نیست که حتی همان سطح نازل زندگی تانکونی را حفظ کند. قرار بود عدالت و رفاه بیاورند، حرف امروز مقامات روشن است: کمتر بخورید، کمتر مصرف کنید، تحمل کنید و منتظر باشید! و این تازه آغاز راه است.

در پانویس یکی از رسانه ها از جانب يك ساکن شهر تهران و بعنوان نمونه ای از خروارها اعتراض جاری میخوانیم:

دولت ۴۰۰۰ تومان یارانه نان برای هر نفر در ماه داده است. با توجه به قیمت ۱۲۰ تومان برای ارزانهترین نان یعنی تاقون، و مصرف هر فرد دست کم سه عدد در روز و هزینه ۱۰۸۰۰ تومان در ماه، آیا بنظر شما میشود نان خرید؟ همین سوال و اعتراض را باید و میتوان در قبضهای آتی مصرف برق و آب

## ثریا شهابی جهان غرب، پس از جنگ سرد



پدیده ویکی لیکس، انتشار حجم عظیمی اساسا از مخفیانه ترین مراودات دولت آمریکا و دسترسی عموم در سراسر جهان به این اطلاعات، نه تنها جهان وارونه رسانه های رسمی را تماما دگرگون کرد، که فراتر از آن در بنه سد عظیمی که جهان غرب بیش از پنج دهه در مقابل توقعات و انتظارات انسانی مردم در کشور های غربی بسته بود، شکافی عظیم

ایجاد کرد.

گفته میشود که افزایش افشاگری های ویکی لیکس سیاست بین المللی و مناسبات دیپلماتیک را برای همیشه به نوران تازه ای انتقال داده است و پدیده ویکی لیکس نشان داد که حاکمیت و قدرت در نیای مجازی، با وجود سرمایه گذاری های بزرگ دولتی، تنها در انحصار دولتها نیست! این ادعاها هر چند درست، اما ریشه، عمق و دامنه رویدادهایی که در پیش است را توضیح نمی دهد.

ویکی لیکس نقطه عطفی در روندی است که شیور آن یک دهه قبل و پس از فروپاشی بلوک شرق به صدا در آمد. تکلیف جهان غرب، از اقتصاد تا سیاست

## رحمان حسین زاده تروریسم، فدرالیسم و سناریوی سیاه



دهنده تر، نگرانی از باب شدن عملیتهای انتحاری و وقوع آن در میان مردم سیویل علاوه بر منطقه بلوچستان، بلکه گسترش آن به دیگر مناطق ایران است. چند عملیات تروریستی انفجاری ماههای اخیر در شهرهای کردستان و ریدای جریانات اسلامی سلفی و گروههای قومی این نگرانی را تقویت میکند. میخوانند جامعه را عادت دهند که عملیتهای انتحاری و تروریستی و کشتار دسته جمعی مردم دیگر پدیده ای مختص عراق و افغانستان

کردند که این افراد از وابستگان جندالله بوده اند. این قصاوت را جوابی به بمب گذاری چابهار، که منجر به کشته و زخمی شدن حدود صد نفر از مردم بیگناه شد، نامینند.

این اتفاق، مستقل از درجه صحت و سقم ادعاهای ماموران دادگستری ایران، جنایتی است که به نام دفاع از مردم صورت میگیرد. این اتفاق و دهها مورد اعدام و انتقام جوئی جمهوری اسلامی،

## اطلاعیه حزب حکمتیست اعدام ۱۱ نفر در زاهدان انتقام از مردم

دوشنبه ۲۹ آذر، ۱۱ نفر در زندان زاهدان اعدام شدند. رسانه های جمهوری اسلامی با آب و تاب از زبان روسای دادگستری ایران و از جمله رییس کل دادگستری سیستان و بلوچستان اعلام

## کارگران جهان متحد شوید!

تعقیب کرد. از همه مهمتر گرانی شدید در سوخت اتوموبیلهاست. وسایل حمل و نقل عمومی در همان روز اول دست کم ۲۰ درصد افزایش قیمت را اعلام داشت، پدیده ای که به همه تولیدات و خطوط حمل و نقل و در نتیجه قیمت کالاهای مصرفی تسری خواهد یافت. با شروع طرح یارانه ها سیکل جنبدی در تعیین قیمت همه تولیدات و امکانات اجتماعی و از جمله مسکن آغاز شده است که هیچ کس جرات و مجال تعیین تقریبی مرزهای آنرا هم ندارد. وعده های شارلاتانههای حکومتی و به همان نسبت اطمینان دادن در کنترل قیمتها همه و همه پوچ است. امروز همه، خود مقامات و دست اندرکاران و از طرف دیگر خود مردم با نگرانی در انتظارند، خیره مانده اند تا توازن بهر حال قابل اعتمادی در بازار و قیمتها خود را نشان دهد. تا همینجا مکاتیم بازار بخش صفحه ۴

و فرهنگ، در غیاب شرق و کمونیسم اردوگاهی چی است؟ سیاستهای "انظم نوین جهانی"، "حملات پیشگیرانه"، و تراشیدن انواع محورهای شر، بهانه جنگ با تروریسم اسلامی برای توجیه میلیتاریسم غرب به قیمت قتل عامی عظیم از مردم در عراق و فلسطین، همه و همه برای سرپوش گذاشتن بر بی جوابی نول بورژوازی در مقابل تناقضات در خود کمپ پیروز در جنگ سرد بود. میلیتاریسم غرب به رهبری آمریکا، توانست تعیین تکلیف جهان غرب با تناقضات سیاسی و اقتصادی خود را به مدت یک دهه به تعویق اندازد. این روند به آخر خط رسیده است.

جنگ زده و بی ثبات نیست. دم در شما هم خوابیده است. در همین کوچه و خیابان و مدرسه و کارخانه و اداره و محل تجمع محله خود انتظارش را باید داشت. میخواند به "هم مذهبی ها و هم قومی های خود" بقبولانند که این همان "مبارزه" مشهور تازه از نوع "مسلحانه و قهرآمیز" علیه دشمن مشترک است. گویا این دفاع از حقوق "سنی ها و قوم خود" در مقابل "شیعه ها و فارسها" است. البته برای توجیه و مشروعیت

خود از همان قماش است که گروه جندالله انجام میدهد. ۱۱ زندانی، مستقل از هویت و دلایل دستگیریشان، کسانی که منتها قبل از واقعه چابهار در زندان بوده اند، به تلافی جنایت گروه جندالله، اعدام و به دار آویخته شدند. با حق به جانی کامل، ۱۱ نفر را به قتل رسانند تا قدرت جنایت و سرکوب جمهوری اسلامی را برخ شهروندان جامعه بکشند. این جنایت برای اجرای "عدالت" نیست، ابزار خفه کردن اعتراض مردم محروم،

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## قاتلین در صف ...

به نسبت زندگی کودکان آنها و سرنوشت خانواده آنها جوابگو و مسئول نیست. دادگاه و عدالتخانه های ایران برای این امور گذاشته نشده اند. نام به قتل رساندن کارگر در محل کار را ساحت می‌گذارند تا آنرا امری خارج از کنترل انسان نشان دهند، تا بقبولانند که



اینجا قتلی در کار نیست. کشتن این چهار نفر از نگاه قانون و سیستم حاکم جرم نیست. این سهم کارگر از زندگی است. در عوض و در جواب به اعتصاب و اعتراض کارگر به این جنایت، همه دستگاه سرکوب و پلیس را به محل خواهند کشاند، رهبر و نماینده کارگر را با پرونده سازی و پلپوش دوزی به زندان و آثم کشان خود می‌سپارند. این نیاز بربریت حاکم برای حفظ این قتلگاهها و خفه کردن هر صدای حق طلبانه ای در خدمت تامین سود برای صاحبان سرمایه است.

در مقابل این جنایات قاتلین و دولتمندان به عنوان بخشی از خانواده قربانی معرفی میشوند و در کمال وقاحت کارگران را به رعیت ایمنی کار دعوت میکنند. گوئی این وظیفه کارگران است تا از تکنولوژی مدرن استفاده کنند، گوئی تامین امنیت محیط کار وظیفه کارگر است نه صاحب کار!

این درجه از وقاحت و بیشرمی را فقط از نظامی میتوان توقع داشت که قانون و وجدان و شرافت و عدالت در آن، تابع تامین سود برای مثنی سرمایه دار به قیمت تباهی و گرفتن جان طبقه کارگر است. میگویند، "معادن ذغال کرمان منابع بزرگ تولید ثروت اند"، اما هزینه ای که برای تولید این ثروت کارگران معدن نه تنها با کار و استثمار خود، بلکه با از دست دادن جان خود، پرداخت میکند، مسکوت گذاشته میشود.

**زمین لرزه در کرمان:** دوشنبه ۲۹ آذر بر اثر زمین لرزه در این استان ۱۱ نفر کشته و دهها نفر زخمی شدند. این زمین لرزه به چهل روستا از شهرستانهای "فهرج" و "ریگان"، خسارات جدی وارد کرده و سه روستا را یکسر ویران کرده است. بخشی زیادی از احشام مردم محروم این منطقه کشته شده اند. هزاران نفر آواره و بی خانمان شده اند. تنها در شهر "فهرج" بیش از ۱۵۰۰ خانه آسیب دیده است. پس لرزه های این اتفاق تا امروز هم ادامه داشته است. ترس و نگرانی آسایش را از همه گرفته است.

زلزله اخیر ۶ و نیم درجه رشتگرزارش شده است. چنین زلزله ای امروز در بسیاری از کشورها خسارتی به بار نخواهد آورد و جان

## جهان غرب، پس از ...

آنچه که امروز غول پیروز را به مصاف می‌طلبد، بن بست و بی پاسخی سیاسی و ایدئولوژیک نظام در مقابل مدعیان در خود جوامع غربی است. جهان نو قطبی توازن و تعادلی در خود جوامع غربی را ایجاد کرده بود که با پایان جنگ سرد، آن تعادل هم به پایان خود رسید. نوبت "گلاسنوس" و "پروستریکا" در خود جوامع غربی، در رابطه دولتها و مردم در آمریکا و اروپا، و در بنیادهای سیاسی - اقتصادی و ایدئولوژیکی غرب است. اقتصاد بازار، دموکراسی و پارلمان، امتیاز دسترسی به "مک دونالد" و "هالیوود"، "گلاموریزه" کردن اختلاف طبقاتی و فخر فروشی تولید قشری از مشاهیر مقخور مالی میلیارد پارازیت بنام Celebrities نسبت به تولید طب عمومی، روئیلی بود که تماما در مقابل سوسیالیسم اردوگاهی بعنوان "آرمانهای آزادیخواهانه" به مقدسات

نظم تبدیل شده بود. با فروپاشی شرق زمینه های مادی این مقدسات هم دود شد! مقدساتی که در مقابل عدالتخواهی طبقه کارگر در غرب، و در مقابل آرمانخواهی و آزادیخواهی میلیونی مردم در جوامع غربی، قریب نیم قرن سد محکمی بسته بود.

ویکی لیکس بزرگترین رخنه در این سد است. سد ایدئولوژیک - سیاسی که حتی سالها پس از فروپاشی شرق، با عوامفریبی توپخانه میبای نوکر در مورد نتایج "افتخارآمیز" پیروزی "دموکراسی" بر اردوگاه شرق و دول "توتالیتر"، توانسته بود طبقه کارگر و مردم در جوامع غربی را در مقابل دست راستی ترین، میلیتاریستی ترین و تروریستی ترین اقدامات دول غربی، به تسلیم بکشاند و "بره وار" به تمکین در آورد. این سد از درون شکاف برداشته است و این شکاف سرآغاز بحرانهای عمیق سیاسی - اجتماعی در غرب خواهد بود. بحرانی که مهار آن بسیار دشوار تر و پیچیده تر از کنترل بحران اقتصادی جاری است. بحران اقتصادی جز لاینجزای همه نظام های سرمایه داری، دولتی و غیردولتی است و بورژوازی تجربه تاریخی وسیعی در مدیریت بحران های اقتصادی دارد. دو جنگ جهانی و تجدید تقسیم جهان و نیم قرن جنگ سرد، اتخاذ انواع سیاست های ریاضت اقتصادی، تحمیل چند دوره فقر و بیکاری و خواباندن تولید و تخریب نیروهای مولده برای مقابله با کاهش نرخ سودآوری سرمایه، همه و همه تجربه شده اند.

آنچه که به ویکی لیکس مکان ویژه ای میدهد، نه وجود بحران اقتصادی حاضر است، و نه افشای جنایات آمریکا! بورژوازی غرب چنین بحران و جنگ و "واترگیت" و افشا سرگذاشته است. افشاگری ویکی لیکس ماهیتا بیش از آنچه که مردم جهان در مورد حکومت آمریکا و سایر قدرتهای فاسد در سراسر جهان میدانند، را افشا نکرده است. حکومتی که تنها حکومت در جهان است که در طول تاریخ از بمب اتم استفاده کرده است، برای جهائیان شناخته شده است. اهمیت ویکی لیکس و جنبشی که در سراسر جهان در دفاع از آن به حرکت در آمده است، شیرايطی است که در آن به قلعه امپراطور جهان، غرب به رهبری آمریکا، از درون تعرض شده است. شرایطی که در آن دشمن در کمین افتاده، راه فراری ندارد! نه میتوان ویکی لیکس را به محور شر و رقباي قدرتمند اقتصادی متصل کرد، نه با این پدیده همان رفتاری را کرد که با صدام و عراق در کیس اشغال کویت کردند!

با ویکی لیکس، آرامش بورژوازی غرب، که به ایجاد یک بالانس اقتصادی - نظامی نسبی بین خود و رقبا و شرکای جدید در مدیریت اقتصادی - سیاسی جهان رضایت داده بود، تماما بهم خورده است.

مردم در غرب از جنگ سرد و مشتقات ثانوی آن، از بدهکاری به قربانیان فاشیسم هیلتری و بردگی سیاهان، از دو قطبی دموکراسی و دول توتالیتر، تروریسم اسلامی و مذهب و مسئله اتمی و کمپین های رقابتی قدرتهای حاکم، عبور کرده اند. میدان تعرض به بورژوازی در عالی ترین مقام آن در غرب، از دست جریانات ارتجاعی ملی - مذهبی، اسلامی و تروریستی، خارج میشود. جنبشی که حول ویکی لیکس شکل گرفته است، بر متن رشد و گسترش موج اعتراضات رادیکال و تعرضی بخش های مختلف مردم، جوانان، دانشجویان و کارگران در غرب علیه سیاست های اقتصادی دول غربی، گواه به میدان آمدن نیرویی مترقی، و مستقل از جدالها و رقابت های ارتجاعی کمپ های مختلف بورژوازی، دارد. نیرویی که میتواند سیر اوضاع را به سمت تحولات بنیادی تری در جهان و در راستای منافع اکثریت محروم جوامع موجود، بچرخاند. نیرویی که میتواند عبور از مقدمات بی مایه و پوچ دموکراسی و پارلمانتاریسم و پست دموکراسی را، با عبور از توهمات جدید "دموکراسی رادیکال" و "تنویدموکراسی" برای اصلاح نظام توأم کند، و به آرمانهای قبلی خود، به آزادی و عدالتخواهی سوسیالیستی بازگردد.

## زنده باد جمهوری سوسیالیستی

### تروریسم، فدرالیسم و ...

#### ویروس فدرالیسم

دادن به این اهداف و عملیتهای کثیف، لایحه ای از واقعیات تبعیض و ستم و استثمار و فشار و سرکوب و زندان و اعدام مردم محروم و آزادیخواهان را توسط نظم موجود سرمایه و جمهوری جنایتکار اسلامی و دم و دستگاه دولتی آن ردیف میکنند. با اتکا به تروریسم سیاه دولتی، برای تروریسم کورشان مشروعیت میترانند. براساس باد زدن شکافهای مذهبی، قومی و علم کردن اجحاف و استثمار و تبعیض و ستم دولت مرکزی و کسب حمایت مالی این یا آن دولت ارتجاعی همجوار و قبله گاه "دمکراسی" آمریکای هم پیمان و متحدان غربی گروه گنگستری مذهبی قومی تشکیل میدهند. نمونه سیاه "جندالله بلوچ" و سر بلند کردن سلفی های کردستان متکی به القاعده و شکل گیری گروههای قومی متنوع و فدرالیست در همین سالهای اخیر حاصل این وضعیت است.

این روند و شکل گیری جریانات مذهبی، قومی عملا به معنای گسترش ویروسهای خطرناکی علیه سلامت جامعه ایران است. عملیات انتحاری و کشتار اخیر در چابهار تنها یک مورد از عملکرد ضد انسانی یکی از این ویروسها است. اعلام تفرق و بیزاری و محکوم کردن لازم است، اما راه موثر مقابله با این ویروسهای خطرناک نیست. جامعه و صف آگاه اعتراض و مبارزه برای رهایی و آزادی انسانها لازمست، این نوع "اعتراض و مبارزه جویی" را به مصاف بطلید اعلام کند این "مبارزه نیست" جنایت است. اعلام کند اینها به جامعه و صف انسانیت اعلان جنگ کرده اند و اتفاقا صف اعتراض و مبارزه آزادیخواهان و برابری طلبانه با آنها سرچنگ دارد، سازمان و اهرم قدرت لازم را میسازد، با آنها تعیین تکلیف قطعی میکند و جامعه را در مقابل مخاطراتشان مصون نگه میدارد.

در فضای سیاسی ایران، فعالیت گروههای اسلامی و مذهبی به اصطلاح اپوزیسیون مسلح و یا غیر مسلح، با بدبینی عمومی و تفرق بخشهای وسیعی از مردم و به ویژه نسل جوان روبرو است. این را بخشا حاکمیت سیاه بیش از سه دهه جمهوری اسلامی و مهمتر ماهیت زشت و ضد انسانی اسلام و مذهب و تضاد آن با استانداردهای زندگی نرمال و انسانی در نیای امروز ممکن کرده است. تروریسم سیاه جندالله و سلفی ها انزجار عمومی را برانگیخته و داعیه های "حق طلبی" آنها بیشتر رسوا شده است. در کنار این واقعیت اما دسته بندی ناسیونالیستی، قومی و فعالیت گروههای قومی فدرالیست به این اندازه رسوا و افشا شده نیست. در صورتیکه جنس فعالیت و عملکرد آنها و ضدیت آنها با سلامت جامعه تفاوت چندانی با هم ندارد. اگر مذهبون متکی بر باد زدن شکاف مذهبی فلسفه وجودی خود را تعریف میکنند، ناسیونالیستها و فدرالیستها هم بر "شکاف ملی قومی" سرمایه گذاری میکنند.

سیاست متکی به ایجاد دشمنی و نفرت در میان شهروندان ترک و کرد و بلوچ و عرب و فارس زبان و ... سیاست تقدس "خاک پاک قوم" و دمیدن در شیبور جنگ دفاع از "سرزمین پدری" و ایجاد تعصبات کورقومی حول بی ربط ترین موضوعات به زندگی و حیات روزمره مردم، سیاست تهید و جنگ و پاکسازی قومی در میان مردمی است که سالهای سال در شهرهای مختلف و در مناطق مختلف همدوش با هم کار و زندگی و تحصیل کرده و میکنند. قوم پرستان و فدرالیستها بر خرافه ای سرمایه گذاری میکنند که متأسفانه هنوز جامعه به اندازه کافی در مقابل آن مصونیت ندارد. بر مبنای این زمینه قوم پرستان و فدرالیستهای کرد و آذری و الاحواز و بلوچ از سالها قبل به تحرک

در آمدن و آن زمان که گزینہ نظامی جرج بوش علیه جمهوری اسلامی روی میز بود، به واشنگتن فراخوانده شدند و سپس طرح فدرالیسم و "کنگره ملیتهای ایران فدرال" ساخته شد. آن زمان به پول و اسلحه و امکانات تبلیغاتی و نقشه جنگی پنتاگون امیدوارشان کردند، تا دقیقاً در جریان "گزینہ سرنگونی جمهوری اسلامی" مورد نظر آمریکا کنند، که داروسته های نظامی و سناریو سیاهی در رواندا و بالکان و عراق و افغانستان و ... بازی کرده و میکنند. اگر چه با شکست آمریکا در عراق و ناکامی گزینہ نظامی در قبال ایران کشتی امید فدرالیستها به گل نشسته است، اما با وجود ویروس ناسیونالیسم و قوم پرستی تحرک و فعالیت آنها ادامه دارد. در همین یکماهه اخیر برگزاری "کنگره ملیتهای ایران فدرال" و چراغ سبزی که از رضا پهلوی به عنوان نمادی از ناسیونالیسم ایرانی گرفته اند، بار دیگر تحرکی به آنها بخشیده است. با اندک دقتی در تبلیغات و حتی مباحثات همین کنگره های کذبیشان، هر انسان متعهد به سرنوشت جامعه و مردم متوجه میشود، که چه نسخه های سیاهی را برای آینده طرح ریزی میکنند. حرفهایی که در کنگره شان بر زبان میاورند و نقشه هایی که میکشند بوی خون جنگهای آتی را با خود دارد. این نمایندگان خود گمارده هر قوم گونیا و خط کش به دست گرفته و مر "کشور فدرالشان" را از وسط های شهرهای بزرگی تعیین میکنند که ساکنین آن سالهای سال است در آرامش و با هم زندگی میکنند. طرفین قسم میخورند تا آخرین قطره خون از مرزهای نامقدسشان دفاع می کنند!! معنای عملی این چیزی نیست جز اینکه اگر امکانش را داشته باشند، همانند پاکسازیهای قومی رواندا و یوگوسلاوی سابق و امروز عراق، کودکانستان و مدرسه و دانشگاه و بیمارستان و محلات مسکونی مردم را

به میدان کشتار و گورهای دسته جمعی تبدیل میکنند. خیابانهای تبریز و ارومیه و مهاباد و پیرانشهر و نقده و زاهدان و اهواز و چابهار را به صحنه جنگ و بریدن زبان هر غیر هم زبان خود تبدیل میکنند. تراژدیهای بسیار بزرگتر از مورد چابهار و مهاباد و صحنه های کشتار در بغداد و کرکوک و رمادی و بصره عراق را سازمان میدهند. واقعیت اینست یک عده انگل قوم پرست درست نسخه رویدادهای رواندا و عراق و بالکان را راه به قدرت رسیدن خود و رسیدن به نان و نوابی میداند. به دولتهای بزرگ و کوچک و مرتجع و ضد انسان متکی میشوند. تلویزیون و اسلحه و پول میگیرند و ظاهراً سازمان درست میکنند و سیاست طراحی میکنند

**خطر سناریو سیاه**

جنایت تکان دهنده چابهار و موارد قبلتر در مهاباد و سنج و در مقابل سرکوبگری و تروریسم دولتی جمهوری اسلامی، جست و خیزهای اخیر فدرالیستها، همه تمرینات و مهیا کردن امکانات تحمیل یک سناریوی سیاه به جامعه ایران در مسیر تحولات سیاسی پیش رو است. صرف نظر از نوری و نزدیکی یک تحول سیاسی تعیین کننده، واقعیت اینست با هر درجه از تغییر تناسب قوا و شکسته شدن قدرتی جمهوری اسلامی، داروسته های مسلح قومی و مذهبی با سیاستها و عملکردهای ضد انسانی که از آنها دیده ایم، به جان جامعه خواهند افتاد. این خطر را باید جدی گرفت. در نتیجه این نوع سیاست و "سیاستمداران" و "گروههای سیاسی" را لازمست منزوی و رسوا کرد. نباید اجازه داد زندگی چند نسل مردم ایران را تحت لوای "حقوق ملی و مذهبی" به تباهی بکشند.

با صدای رسا و با صافی گسترده و وسیع باید اعلام کرد "نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت

صفحه ۴

### اعدام ۱۱ نفر در زاهدان....

کردستان، بر زمین اختناق، بی حقوقی و جنایت تغذیه میکنند. اینها محصول تبعیض و حاکمیت مذهب و توحش جمهوری اسلامی هستند. اینها بخشی از تولیدات جانبی جمهوری اسلامی اند، تولیدات مذهبی و ارتجاعی سیستمی که خود با جنایت و کشتار و ترور و آدم ربائی پا گرفته است.

اعدام این ۱۱ نفر، و اعدام ریگی رهبر جندالله که قبلا صورت گرفت، ربطی به "مقابله با تروریسم" و اجرای "عدالت" ندارد. روسای دادگستری و سران جمهوری اسلامی و زندانبان و قضات مربوطه، خود پرونده های تاریخی از جنایت و کشتار مردم دارند. هزاران فقره قتل و جنایتی که همیشه بنام "دفاع از مردم" و "امنیت مردم" انجام داده اند. جمهوری اسلامی

کارگر و زن و جوان به بی عدالتی، به فضای مختق و به فقر و فلاکت حاکم است. این جنایت، همچون جنایت گروههای تروریستی و از جمله جندالله، ابزار ترساندن مردم و تحمیل عقب گرد به کل جامعه است.

گروه جندالله به اعمال انتقامجویانه و جنایتکارانه جمهوری اسلامی زنده است. خون را با خون و جنایت را با جنایت جواب دادن، میدانی است که جندالله از آن بهره میگیرد و روی آن حساب باز کرده است. این میدانی است که تنها نفاق و کینه و حس انتقامجویی کور و عقب افتاده را دامن میزند و جندالله دقیقاً از همین ارتزاق میکند. جندالله در بلوچستان و سلفی ها در

اعتراض بر حق صف آزادیخواهی علیه جمهوری اسلامی تنگ و امنیت و آسایش مردم را از بین میبرد.

صف مبارزه ما برای عدالت و آسایش مردم، هم در مقابل جمهوری اسلامی و تروریسم دولتی آن و هم علیه همه گروهها و جریانات بنده سیاهی و آدم کش مذهبی است.

مقابل این توحش به هر بهانه ای، میدان دادن به ادامه چنین جنایتی است. اینکه این افراد احتمالاً از وابستگان و یا اعضا گروه جندالله اند، سر سوزنی از ماهیت این فصولت کم نخواهد کرد.

جنگ و جدال جمهوری اسلامی با بلوچستان، تا سلفی ها در کردستان، در هر دو سو قربانیان خود را از مردم بیگناه خواهد گرفت و تنها فضا را بر

**حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست**

۳۰ آذر ۱۳۸۹ - ۲۱ دسامبر ۲۰۱۰



لقمه بزرگ یارانه ها ...

پس از دیگری مقامات حکومت عالی به ریش مردم میخندند: معاون اول ریاست جمهوری قیمت جدید نان را درس جلوگیری از اسراف و بد عادتی مردم در مصرف نان و عاملی جهت تغییر فرهنگ تغذیه در میان مردم لقب داد! وزیر بازرگانی به مردم اندرز داد خردمندی بخرج دهند و پول یارانه را در صندوق پس انداز بانکها نگه دارند و یا در بورس سرمایه گذاری نمایند! مشاور اقتصادی دولت محاسبه فرمودند افزایش قیمت بنزین فقط برای خانواده هایی محسوس خواهد بود که بیش از دو اتومبیل را در گاراژ خانه خود جا داده اند. و خامنه ای یارانه ها را هدیه دولت به مردم لقب داد و به نمایندگی از الله با فتوای خود این پول را پرداخت خمس معاف فرمود!

در میان بیهوده اجرای طرح یارانه ها تحرك عظیم در صف حکومت و ابواب جمعی سرمایه و بازار و کارخانجات بشدت خیره کننده است. آرزوی قلبی این جماعت به تحقق رسیده است. بلاخره اربابه جنگی این جماعت به سمت تولید و ساختار جامعه مطابق نقشه آنها بحرکت درآمده است. نیشها تا بناگوش باز است. دست هایشان را بهم میمالند. پر از امید و شوق اند. هیچگاه اردوی سرمایه و نوایر صنعت و اقتصاد و مالیه در این مملکت اینقدر بلبل زبان و بلند پرواز نبوده اند. صفوف طبقه حاکم و رژیم اسلامیشان در ایران حامل شکافهای بزرگی است. احمدزاد نه چهره قابل و نه چهره محبوبی در این صفوف و شکافها بحساب نمیاید. اما این آدم هنیان گو، امروز و با اجرای طرح یارانه ها بطرز اعجاز آمیزی، يك تته و در ورای همه انتظارات و تردیدها، در راس غافله قرار گرفته است. نفسها در سینه حبس شده است که چگونه دولت خواهد توانست طرحی را که بارها در کربورهای مجلس و نوایر امنیت ملی و بنیال "زمان مناسب" و "شیب باندازه کافی ملایم" نشخوار میگشت را بطور ضربتی به مرحله عمل درآورده است. مخالفان و منتقدین نگرانند، ناخن میچوند اما همگی در دفاع از دولت سنگ تمام میگذارند.

در این تردیدی نیست که جامعه ایران در آستانه يك چرخش بزرگ قرار گرفته است، اقتصاد بعمنائی وسیعتر کلمه و مشخصا چشم انداز تامین زندگی مردم زحمتکش در مرکز این چرخش است. در پس همه ژستها و فرمایشات صد من يك غاز اقتصادی حکومت و اعوان و انصار دولتی و غیر دولتی ستون فقرات طرح جاری بر روی دستگاه سرکوب رژیم منکی است. در روز روشن نان از سفره مردم قاپ زده میشود و از آنها خواسته میشود که خفه خون بگیرند و ببینند، به همین مردم را نمیتوان شکل داد. این يك سادگی! عقل ساده برای هر شهروند جنایت است که در تکمیل صحنه یکی

تورویسم، فدرالیسم و ...

چگونه است برای همه چیز خزانه دولتی گشاد است اما پول برای نان کسری میاید؟ چگونه است که همه قیمتها قرار است آزادانه و از طرف صاحبانشان تعیین شود، اما کارگر و کارکن از کمترین اختیاری و امکانی برای تعیین دستمزد و شرایط کار خود برخوردار نیست؟ چگونه است که اعصاب و تشکل و هرگونه اظهار وجود طرف حساب اصلی در طرح یارانه ها جرم و ممنوع است و با زندان و شکنجه پاسخ میگیرد؟

کشمکش یارانه ها میان جمهوری اسلامی از يك طرف و کارگر و مردم زحمتکش از طرف دیگر يك نبرد قیمی اما در يك صف آرای جدید است. يك معیشت قابل قبول و شایسته يك خواست برحق مردم و يك وظیفه مسلم حکومت است. حمله امروز جمهوری اسلامی يك حمله وحشیانه و گستاخانه است. هیچ چیز طبیعی تر از اعتراض گسترده و فوری به رژیم نیست. جامعه ایران آبیستن اعتراض و طغیان بر علیه مسببان فقر و باز هم فقر و تباهی پست. این رژیم، سی سال حکومت مخوف سرکوبگر اسلامی اش را، جنگ اش را، بحران اقتصادی اش را، سوادهای منطقه ای اش را، يك نظام انگل سرمایه دارانه اش را بر دوش تباهی و بهره کشی از میلیونها کارگر و مردم زحمتکش سوار کرده است. امروز رویای بکاراندازی چرخ تولید بحران زده بروش نسل دیگری از طبقه کارگر را در سر میپرورانند. باید در مقابل این جانوران سد بست. برای کارگر اشتباه است که سنگر مقاومت و عصیان خود را حول یارانه ها شکل دهد. بازگشت به گذشته، یارانه کمتر یا بیشتر دست تعرض جمهوری اسلامی را کوتاه نخواهد کرد. طبقه کارگر در ایران در مقابل شرایط بسیار مساعدی قرار گرفته است که میتواند خواستههای فوری خود مبنی بر افزایش فوری دستمزدها و پرداخت بیمه بیکاری به همه شهروندان با رای مستقیم و آزاد تشکلهای کارگری را به هسته اصلی پرچم اعتراض عمومی علیه جمهوری اسلامی تبدیل کند. رژیم میتواند فضای اعتراضی را ننیده بگیرد و به بیراهه ببرد. رژیم میتواند عصیانها را منزوی و سرکوب کند. اما با اولین موج اعتراضات بهم بافته و با خواستههای روشن مردم تشنت و شکافها و پوشالی بودن جمهوری اسلامی را بچشم خود خواهند دید.

جدال بر سر یارانه ها تازه آغاز شده است. کارگر و مردم زحمتکش چاره ای بجز صف آرای و مقاومت ندارند. این لقمه در گلوئی جمهوری اسلامی گیر خواهد کرد.

نشریه حزب کمونیست

کارگری حکمتیست

سرمدییر: خالد حاج

محمدی

www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

زنده باد سوسیالیسم